

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴

صص ۷۵-۹۲

چالش ضرورت صیانت از حریم خصوصی و صیانت از هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی (با نگاهی به حقوق انگلستان)

رضا شکری^۱، دکتر مهدی شیداییان^{۲*}، دکتر شهرداد دارابی^۳

۱- دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲- استادیار دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۳- استادیار دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

حریم خصوصی به عنوان قلمرو و محدوده‌ی اختصاصی و غیرعلنی انسانی نوعی و متعارف مصون از ورود، نگاه و نظارت و مداخله دیگران است؛ لیکن رعایت هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی نیز مبتنی بر دفاع از ارزش‌های جامعه و صیانت از برقراری نظم عمومی ضرورتی انکارناپذیر است از این رو هر چند اصل بر صیانت از حریم خصوصی می‌باشد، لیکن این اصل مجوز نقض قانون در حوزه خصوصی نیست و هرگاه آثار و تبعات نقض قانون در حوزه خصوصی جلوه بیرونی و خارجی بیابد و امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد از باب صیانت از ارزش‌های بالاتری مداخله جایز خواهد بود و در مقام رفع چالش ناگزیر باید اجرای حق مهم‌تر بر حق مهم‌تر جرح داد در نتیجه مداخلاتی در نوع پوشش افراد و امور جنسی و جواز امر به معروف و نهی از منکر به عنوان استثنایی غیرقابل اجتناب بر حریم خصوصی به صورت محدود، جزئی و بر مبنای قانون محسوب می‌گردند.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، هنجارهای اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر، پوشش،

روابط جنسی.

مقدمه

از ویژگی‌های جوامع مردم سالار شناسایی و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های بشری است و از جمله مظاهر و جلوه‌های حقوق بشر حق بر حریم خصوصی است که ضرورت صیانت و پاسداری از آن بنا به دلایل عدیده و مستفاد از آیات و روایات ضرورتی انکارناپذیر است لیکن صیانت از حریم خصوصی تنها مطلوب یک اجتماع انسانی نیست و همواره در هر اجتماعی حقوق و آزادی‌های دیگری نیز وجود دارد که صیانت از این حقوق را نیز جامعه وظیفه و تکلیف خود می‌داند. از جمله ضرورت رعایت نظم و امنیت عمومی و ضرورت رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی. از این رو در مقام صیانت از دو مطلوب گاه در مقام اجرای این دو مطلوب تضاد و تلاقی در اجرای هر دو مطلوب به طور همزمان پیش می‌آید؛ از این رو سؤال اساسی پیش رو آن است که در مقام تلاقی و تضاد ناشی از اجرای همزمان دو مطلوب ضرورت صیانت از حریم خصوصی و صیانت از هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی تکلیف چیست و اولویت با کدام حق است و آیا اساساً بین این دو مطلوب تضادی وجود دارد و صیانت از حریم خصوصی مجوز زیر پا نهادن اخلاق و هنجارها و انگاره‌های شرعی در حوزه خصوصی می‌گردد؟ از این رو برای پاسخ به پرسش در این مقال ضرورت دارد نخست به دو مفهوم حریم خصوصی و ارزش‌های اخلاقی اشاره‌ای مختصر نماییم.

۲- طرح مسئله و تبیین مفاهیم

در حقوق ایران و انگلستان تعریف مشخص قانونی از حریم خصوصی ارائه نشده است و حریم خصوصی مستقلاً حمایت نشده و به تعبیری موضع تحول‌گرایانه اتخاذ شده و از مصادیق آن حمایت شده است. در مقام تعریف، تعاریف متعددی ارائه شده که «وجه مشترک تعاریف ارائه شده اختیار و آزادی انسان در تصمیم‌گیری در خصوص میزان وقوف و مداخله سایرین نسبت به زندگی شخصی است.» (اصلائی، ۱۳۸۴، ص ۴۰) این وجه مشترک رکن اساسی حریم خصوصی است. بنابراین با تکیه بر سه رکن خصوصی، پنهانی و اختیار و آزادی در میزان مداخله دیگران می‌توان گفت؛ غرض از حریم خصوصی؛ قلمرو و محدوده‌ای از اعمال، رفتارها، اندیشه‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات غیرعلنی و مختص به انسانی نوعی و متعارف می‌باشد که به مقتضیات زمان و مکان قابل تغییر است و برابر قانون و عرف تعیین شده و مصون از ورود، نگاه و نظارت دیگران و یا هرگونه تعرض است و ورود به آن جز به حکم قانون یا رضایت وی جایز نمی‌باشد.

در نتیجه امری را حریم خصوصی می‌نامند که فرد بتواند دسترسی به آن را در کنترل خودش داشته باشد و حمایت از حریم خصوصی یعنی حمایت در مقابل دسترسی ناخواسته به آن امر به وسیله دیگران.

بنابراین شرط اساسی در شناخت حریم خصوصی دور از انظار عموم بودن و عدم جواز دخالت دیگران است. یعنی رویدادها یا اطلاعات مربوط به شخص، باید از جمله اموری باشد که در یک مکان عادتاً خصوصی (مثل منزل و اتاق هتل) یا در حکم خصوصی (نظیر مطب پزشک یا دفتر وکیل)، یا مکان عمومی و مکان شغلی واقع یا اظهار شده باشد و آشکار شدن یا وقوع آن‌ها در محل‌ها و مکان‌های عمومی صورت نگرفته باشد.

در واقع حریم خصوصی مبتنی بر دو حق اساسی؛ حق افراد در برابر تجاوز فیزیکی به تنهایی‌شان (از طریق ابزارهایی چون ورود غیرمجاز به خانه و محافل خصوصی، استراق سمع، بازجویی‌های غیرقانونی، فیلمبرداری و عکسبرداری غیرمجاز و غیره) و حق افراد در برابر نشر اطلاعات مربوط به آن‌ها می‌باشد. از این رو حریم خصوصی تابع اوضاع و احوالی «از جمله مکان مورد نظارت، موضوع مورد نظارت، استفاده‌ای که اطلاعات حاصل از نظارت ممکن است داشته باشد، وسایلی که برای نظارت مورد استفاده قرار می‌گیرد، وضعیت شخصی که مورد نظارت واقع می‌شود، رضایت و روابط بین طرفین» است. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

بر مبنای تعریف ارائه شده از ناحیه نگارندگان حریم خصوصی حقی انسانی، خصوصی، نسبی، مصون از دخالت غیر و محرمانه و دور از انظار عموم و مبتنی بر آزادی بوده که هرگونه تصمیم‌گیری در این حوزه منحصراً در اختیار او است.

اما واژه‌ی اخلاق در اصل واژه‌ای عربی بوده و مفرد آن «خُلُق» و در لغت به معنای «سرشت و سجیه» است؛ (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۸۷) اعم از اینکه سجیه و سرشتی نیکو و پسندیده مانند جوانمردی باشد؛ یا، زشت و ناپسند مانند فرومایگی. در اصطلاح غرض از اخلاق فارغ از مجادلات و اختلافات موجود؛ مجموعه قواعدی است که راهنمای رفتار آدمی است و رفتار خوب از بد را به او می‌شناساند و رعایت آن برای نیکوکاری و نیل به کمال ضروری بود و مطبوع طبع نوع بشر می‌باشد؛ در نتیجه می‌تواند موجب کمال انسان شود. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، ص ۵۴۶ و ۴۵۱).

غرض از ارزش‌های اخلاقی کلیه اموری است که مطلوبیت اخلاقی دارند چه افعال باشند و چه غیر افعال (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، ۱۰۵) و در حکومت اسلامی به لحاظ ضرورت حفظ معیارها و اهداف توحیدی در جامعه و ضرورت اجرای احکام و شعائر الهی، امر به معروف و نهی از منکر و

دیگر دستورات دینی، نسبت به اخلاق و اعمال فردی و اجتماعی بی تفاوت نمی‌باشد. در نتیجه از دیدگاه اسلامی حکومت اسلامی مکلف به ترویج اخلاق اسلامی است و ظاهر اشخاص و اعمال فردی آن‌ها در محدوده‌ی جامعه به عنوان امور خصوصی تلقی نمی‌گردد. زیرا منشأ این دیدگاه به هدف بعثت و برانگیخته شدن رهبرش که همانا اتمام مکارم اخلاق است بازمی‌گردد.^۱ به همین دلیل است که حق تعالی در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

«همان کسانی که از این پیامبر ناخوانده درس که او را نزد خود در تورات و انجیل نگاه داشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛ پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد و از اعمال زشت بازمی‌دارد و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند، و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره‌ها [ی جهل را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاری‌اش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگاران اند.»

در نتیجه تنها از دیدگاه اندیشه اسلامی است که حکومت وظیفه و تکلیف دارد که به منظور حمایت از ارزش‌های اخلاقی گام بردارد. از این رو، آموزه‌های اسلام در بردارنده اصول اخلاقی است و حوزه‌ای نیست که متأثر از ارزش‌ها و اصول اخلاقی نباشد و بی‌گمان هتک حریم خصوصی اشخاص یکی از زشت‌ترین رفتارهای انسانی است و از مجموع آیات قرآن به دست می‌آید که حفظ حریم خصوصی اشخاص که در ارتباطی تام با ارزش‌های اخلاقی آنان است، نه تنها وظیفه خود شخص بلکه وظیفه جامعه و دولت نیز هست. در عین حال بر مبنای چنین بینشی صیانت از حریم خصوصی و عدم تجسس در امور خصوصی معجز نقض قانون و هنجارهای اخلاقی و شرعی در فضای خصوصی نمی‌باشد.

بنابراین رعایت اخلاق و ارزش‌های اخلاقی ویژگی دیدگاه اسلامی و ایرانی است.^۱ زیرا عدم مداخله در اخلاق به نوعی در تعریف و مفهوم حکومت‌های لیبرال نهفته است. لیبرال‌ها در حقیقت

۱. پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت پیامبران را تزکیه نفس برشمرده (سوره جمعه آیه ۲) و می‌فرماید: «انی بعثت لائتم مکارم الاخلاق» من به هدف اتمام و اكمال فضیلت‌های اخلاقی در میان بشر برانگیخته شده‌ام.

۱. رعایت ارزش‌های اخلاقی در قانون اساسی در اصول ۱۰، ۱۱، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۲۷، ۴۵، ۱۵۱، ۱۶۷ و ۱۷۵ مورد تأکید قرار گرفته است.

اخلاق را امری خصوصی و مربوط به افراد اجتماع می‌دانند و وظیفه حکومت را تأمین امور مادی می‌دانند و در قبال امور غیرمادی و یا امور معنوی خود را غیرمسئول و بی‌تفاوت می‌دانند؛ در چنین بینشی برخلاف نظام ایران مسئله مفاسد و روابط جنسی آزاد امری خصوصی و خارج از قلمرو مداخله حکومت تلقی می‌گردد.

متأثر از این نوع تفکر فکری در کشوری چون انگلستان حقوق کیفری حق مداخله در حریم خصوصی به توجیه دفاع از اخلاق را ندارد؛ در حقیقت در این تفکر ضرورت دارد که برای حریم خصوصی و خلوت اشخاص محدوده‌ای باقی بماند که اخلاقی بودن یا نبودن رفتارها در آن خارج از حوزه اختیار دولت و مداخله قانون است.

(See: Andrew Ashworth, ۱۹۹۲, p. ۲۶) در حقیقت بر مبنای دیدگاه غربی غرض از حریم خصوصی فضای به حال خود بودن و به دور از نظارت دیگران بودن است از این رو طرح اشکال شده که دخالت حکومت دینی از باب حفظ ارزش‌های اخلاقی جامعه از جمله الزام به داشتن حجاب یا جرم‌انگاری روابط جنسی اشخاص خارج از چهارچوب عقد نکاح یا اجازه انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و یا مبادرت به روزه‌خواری و عدم حجاب زنان در خودروهایی شخصی دخالت در حریم خصوصی است و اصل لزوم صیانت از حریم خصوصی ایجاب می‌نماید که قلمرو مداخلات حقوق، رفتارهای ارتكابی در حوزه خصوصی را در برنگیرد و در نتیجه اشخاص حق دارند که در حریم خصوصی خود فارغ از هرگونه بازخواست حقوقی باشند. در حالی که اخلاق و مذهب امری خصوصی و مربوط به افراد اجتماع است و حکومت حق مداخله در آن را ندارد و وظیفه حکومت تأمین امور مادی افراد ملت است و در قبال امور غیرمادی (معنوی) غیرمسئول بوده و حق مداخله ندارد. در نتیجه الزام حکومت دین‌مدار بر رعایت انگاره‌ها و آموزه‌های شرعی در تضاد با حریم خصوصی است. زیرا «اگر حقوق کیفری در قلمرو اخلاق فردی و اخلاق مذهبی مداخله نماید، تعداد جرائم بی‌نهایت زیاد... می‌گردد» (نک؛ استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور و برنارد بلوک، ۱۳۷۷، ۲۸؛ محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، ۹۴) ایشان دلایلی را نیز برای تأیید دیدگاه خود مطرح می‌نمایند، از جمله اینکه؛ ویژگی بارز جوامع مدرن و نامتجانس از نظر قوم شناختی، کثرت دینی و فرهنگی است و معیارهای اخلاقی مختلفی وجود دارد که بر اساس اصول اساسی دموکراسی و آزادی هیچ گروه و یا طبقه اجتماعی صرف‌نظر از میزان اقتدار و نفوذی که ممکن است داشته باشد، حق تحمیل عقاید دینی با معیارهای اخلاقی خود را بر گروه‌های دیگر با استفاده از زور، قانون جزا ندارد و هرگونه مداخله‌ای در این حوزه مداخله در حریم خصوصی است. در نتیجه در یک جامعه آزاد و دموکراتیک، دولت حق

ندارد در زندگی خصوصی افراد دخالت کند مگر از رفتار ایشان ضرر و صدمه‌ای به غیر وارد شود و یا حقوق دیگران را نقض کنند. از سوی دیگر اخلاقیات همواره دستخوش تحولات اجتماعی می‌باشند و آنچه در سال‌های قبل غیراخلاقی و ممنوع بوده ممکن است امسال یا سال آینده غیرمجرمانه محسوب گردد. این امر به این معناست که مردم به خاطر اعمالی مجازات می‌شوند که ممکن است در آینده نزدیک از آن‌ها جرم‌زدایی شود، لذا چیزی جز تناقض و تضاد باقی نمی‌ماند. در نتیجه مداخله در پوشش و اجبار به حجاب، مداخله در روابط جنسی و ممنوعیت رفتارهایی چون ازدواج سفید دخالت در حریم خصوصی است و ارزش دادن به اخلاقیات و انگاره‌های دینی در چالش با حریم خصوصی قرار دارد. بنابراین در این مقال پرسش اساسی آن است که؛

در شرایطی که صیانت از حریم خصوصی عدم مداخله در حوزه خصوصی را ایجاب می‌نماید، اشخاص در حریم خصوصی خود فارغ از محدودیت ناشی از احترام به هنجارهای اخلاقی و شرعی مجاز به انجام هرگونه رفتاری می‌باشند؟

در مقام پاسخ فرضیه نگارنده آن است که؛ حریم شخصی در صورتی که امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد با محدودیت مواجه خواهد بود. از آنجایی که، سه مقوله‌ی «حفظ پوشش»، «روابط جنسی» و «فرضه امر به معروف و نهی از منکر» از جمله مهم‌ترین مصادیقی‌اند که در این رهگذر از حیث تضاد و تلاقی با حریم خصوصی مورد اشکال قرار گرفته‌اند مستقلاً به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳- ضرورت حفظ پوشش

از آنجایی که اندام انسان برخلاف سایر موجودات، عاری از پوششی طبیعی بوده که او را از سرما و گرما حفظ کند و انسان به طور فطری از برهنگی رنج می‌برد و به زیبایی اهمیت می‌دهد به نحوی که اولین دغدغه آدم و همسرش حوا پس از خوردن میوه ممنوعه، پوشیدن بدن بود (نک سوره‌ی اعراف آیه ۷ و ۲۲ سوره‌ی طه آیه ۲۰ و ۲۱) از جمله موارد حریم خصوصی برای انسان بیان اصل و جوب پوشش و ذکر جزئیات آن برای مردان و زنان می‌باشد. بنابراین پوشش پاسخی مناسب به نیاز فطری و اجتماعی انسان است و در حقیقت پوشش انسان وسیله‌ای برای حفظ حریم خصوصی وی و مانع افشاء خصوصیات شخصی در جامعه است. نوع پوشش مردم نیز در هر جامعه‌ای برخاسته از هنجارهای حاکم در آن جامعه و متأثر از عقاید برگرفته از آداب و رسوم و دین حاکم بر آن اجتماع است. از این رو به واسطه تکثر فرهنگی در جوامع انسانی نوع پوشش نیز متفاوت و متکثر خواهد بود و از آنجایی که

عرف در هر اجتماعی ریشه در عقاید مذهبی نیز دارد هیچگاه پوشش عرفی جامعه عدم رعایت انگاره‌های شرعی و اخلاقی را بر نمی‌تابد؛ چنان که در عمل نیز این چنین شده و جامعه ایرانی عدم رعایت حجاب را در زمان کشف حجاب رضاخان بر نتابید.

اما طرح اشکال شده که، نوع پوشش انسان و داشتن یا نداشتن پوشش از جمله امور خصوصی است که انسانی نوعی و متعارف مداخله در آن را بر نمی‌تابد در نتیجه مداخله مقنن در نوع پوشش اشخاص به منظور صیانت از انگاره‌های اخلاقی و شرعی و الزام به حجاب بانوان نقض حریم خصوصی است.

در مقام رفع چالش می‌توان گفت اساساً طرح این اشکال ناشی از عدم تمیز بین مرز عمومی بودن و خصوصی محسوب شدن است و نظر به اصل لزوم احترام به ارزش‌های عمومی حاکم بر اجتماع، گرچه صیانت از حریم خصوصی دلالت بر عدم جواز مداخله در نوع پوشش دارد، لیکن این عدم مداخله محدود است به نداشتن جلوه بیرونی است و آنگاه که اشخاص از محیط خصوصی خارج شده و قصد حضور در عرصه عمومی را دارند با محدودیت جدی رعایت ارزش‌ها مواجه خواهند بود و وارد ساختن محدودیت بر حقوق به نحو متعارف نیز بدیهی است.

در نتیجه نظر به حاکمیت اصل آزادی و اختیار برای انسان نوع، کیفیت و طرز پوشش اشخاص امری کاملاً خصوصی است و انسان‌ها با توجه به علایق، سلیق، گرایش‌ها و طرز تفکر خود، نوع پوشش خویش را انتخاب می‌کنند و پوشش، در درجه اول تابع فرهنگ هر جامعه است و علاوه بر فرهنگ در جوامع مذهبی، عرف مذهبی و نظام ارزش‌های جامعه را هم باید در نظر گرفت. بنابراین آنگاه که شخص در یک مکان خصوصی حاضر می‌گردد، صرفنظر از ملاحظات شرعی به هر نحو که بخواهد می‌تواند حاضر شده و هر نوع پوششی که بخواهد را اختیار نماید و هیچ شخصی حق مداخله در این زمینه را ندارد. حتی اشخاص حاضر در چنین محلی این حق را ندارند که بعدها فیلم و یا عکس وی را منتشر سازند، زیرا انتشار اینگونه مستندات بدون تردید نمونه بارز اشاعه فحشا و از مصادیق ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای خواهد بود.

فقها نیز به همین دلیل حکم به عدم جواز «تبرج» و حرمت خودنمایی و خودآرایی زنان در عرصه عمومی داده‌اند. (نک زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۲؛ سلمی، ۱۴۰۷، ص ۲۳-۳۰)

در نتیجه می‌توان گفت؛ به منظور احترام به مقررات و ارزش‌های حاکم بر اجتماع و بازدارندگی از ارتکاب گناه و منافع عمومی مقنن در نوع پوشش زنان که در عرصه اجتماع حاضر می‌گردند دخالت نموده و با تدوین قانون، ورود زنان بدون حجاب شرعی را برابر تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. جرم تلقی

نموده و مقرر داشته؛ «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به.. محکوم خواهند شد.»

بنابراین چنین مداخله‌ای گرچه به نحوی دخالت در حریم جسمانی یا حریم عقیدتی و فکری اشخاص است لیکن به واسطه حفظ ارزش‌های بالاتری استثنای بر حریم خصوصی محسوب می‌گردد. از سویی قطع نظر از بازدارنده بودن قوانینی این چنین، اساساً مقنن براساس آموزه‌های دینی و با الزام قانونی پوشش برای زنان به نحوی در مقام حمایت کیفری از ایجاد حریم خصوصی جنسی برای فرد و پیشگیری از هتک حرمت اشخاص و حریم خصوصی بوده است. زیرا در اندیشه اسلامی حتی شخص حق ندارد با نقض حریم خصوصی خود، خود و یا دیگران را در معرض گناه و جرم قرار دهد. بنا به مراتب فوق بدحجابی یا بی‌حجابی افراد، به نوعی، تجاوز به حقوق دیگران محسوب شده و از باب حق الناس است. دفاع از حق الناس نیز مداخله در حریم خصوصی پوشش را تجویز می‌نماید زیرا هرگونه رفتاری که حجاب و حیا و عفاف جامعه را خدشه‌دار نماید، ضربه‌ای است که به آرامش، سلامت و امنیت اجتماعی و موجب می‌شود بسیاری از اشخاص به دام فساد و فحشا افتند و اینگونه زنان نیز ممکن است به دام مردانی بیفتند که به تعبیر قرآن از مصادیق الذی فی قلبه مرض هستند. (احزاب/۳۲)

البته قانون فوق را که مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر اجتماع است نمی‌توان با دو قانون مصوب پیش از انقلاب در حوزه پوشش مقایسه نمود. زیرا هر دو قانون فوق به پیروی از کشورهای غربی و بدون در نظر گرفتن انگاره‌های لازم و بدون توجه به نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه تدوین شده بودند و به همین دلیل نیز با مقاومت مردم و عدم تمکین به قانون مواجه گردیدند.

۴- ضرورت رعایت هنجارهای شرعی در روابط جنسی

بر مبنای اصل کلی احترام به حریم خصوصی کلیه امور مربوط به روابط جنسی اشخاص مصون از مداخله است؛ زیرا فعالیت‌های جنسی انسان که ناشی از غرایض ذاتی و فطری بشر است قلمرو و محدوده‌ای از اعمال و رفتار شخص است که برای عموم آشکار نبوده و مختص به آن فرد می‌باشد و در این محدوده از آزادی معقولانه‌ای برخوردار بوده و مصون از هرگونه تعرض است. در این رابطه حق حریم خصوصی فضایی را برای شخص تضمین می‌کند که در چهارچوب آن بتواند روابط

۱. قانون متحدالشکل کردن البسه اتباع ایران مصوب ۱۳۰۷ و، قانون کشف حجاب زنان در اماکن عمومی مصوب ۱۳۱۴.

مختلفی را با دیگران برقرار سازد. لیکن در این رابطه بر مبنای اصل آزادی این ایده مطرح شده که حریم خصوصی اشخاص ایجاب می‌نماید که انسان‌ها در برقراری این ارتباط از حیث اینکه مبنای برقراری رابطه قرارداد (عقد نکاح) یا تراضی و توافق ضمنی طرفین بدون التزام قراردادی و قانونی لیکن مبتنی بر قصد تزویج (ازدواج سفید یا هم‌باشی یا هم‌خانگی) و یا بدون قصد تزویج (رابطه نامشروع زنا) باشد و یا آن‌که طرفین رابطه هم‌جنس یا غیر هم‌جنس باشد محدودیتی وجود نخواهد داشت و این موضوع امری خصوصی است که قانون به توجیه حمایت از اخلاق حق مداخله در آن را ندارد. در نتیجه، اصل بر آزادی روابط جنسی وعدم مداخله در امور جنسی مبتنی بر رضایت اشخاص، مادام که منتهی به ضرر به غیر نگردیده می‌باشد. به نحوی که فعالیت جنسی افراد مبتنی بر رضایت دو طرف مباح بوده و خارج از محدوده مداخله دولت قرارداد. به همین دلیل مقنن انگلستان برابر ماده ۳ و ۵ قانون جرائم جنسی ۱۹۵۶ (اصلاحی ۲۰۰۰) تنها انجام عمل خلاف عفت با کودکان و حمله خلاف عفت و زنا با محارم و تجاوز به عنف را به‌عنوان جرم جنسی تلقی نموده و هر نوع رابطه مبتنی بر رضایت، خواه طرف رابطه هم‌جنس باشد خواه غیر هم‌جنس، جرم ندانسته است. به‌نحوی که نظارت بر فعالیت جنسی که در خلوت صورت می‌گیرد به معنای مداخله در حریم خصوصی است و دولت تنها حق مداخله در فعالیت‌های جنسی موجب ضرر برای غیر و در مکان‌های عمومی را دارد تا جایی که کمیته حقوق بشر، صرف وجود قوانینی که فعالیت هم‌جنس‌بازان را جرم‌انگاری نموده، ناقض حریم خصوصی می‌داند.

(Sarah Webb, Russell Jones p ۴۹۵) در نتیجه این دیدگاه با دیدگاه حقوق کشور ایران مبنی بر لحاظ نمودن انگاره‌های اخلاقی و شرعی و عدم جواز برقراری چنین روابطی ولو در حریم خصوصی در تضاد قرار دارد.

در مقام پاسخ و متأثر از اندیشه دین‌محور، باید بین دو گزاره تفاوت قائل شد؛ نخست جواز و عدم جواز روابط آزاد ولو در خلوت و دوم مداخله و تجسس در خلوت و میزان و نحوه مداخله دیگران در روابط جنسی اشخاص. در بعد نخست احترام به حریم خصوصی اشخاص لزوماً به معنای صدور جواز نقض قانون در خلوت نمی‌باشد و نمی‌توان پذیرفت که، هر فعالیت جنسی که در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد لزوماً داخل در حیطه حمایتی حریم خصوصی قرار دارد و افراد آزادانه در حیطه امور خصوصی هر رفتاری را مجاز و مختار به ارتکاب باشد. زیرا جواز و عدم جواز چنین رفتارهایی تابعی از نظام ارزش‌هاست. در نتیجه سیاست اتخاذی در قبال روابط جنسی سیاستی ترکیبی و در دو جهت ایجابی و سلبی می‌باشد. یعنی ضمن تشریح روش‌های مشروع ارضای غریزه جنسی راه انحراف از آن

در راستای صیانت از حریم خصوصی و حقوق عمومی با اتخاذ تدابیری سد نموده و برقراری هرگونه رابطه جنسی خارج از عقد نکاح را ممنوع و به لحاظ جنسیت طرف عقد صرفاً ازدواج دو جنس مخالف به رسمیت شناخته. اما در بعد دوم به رغم آن که اجازه روابط آزاد در حریم خصوصی داده نمی‌شود اجازه تجسس و مداخله در حریم خصوصی به منظور کشف روابط آزاد نیز داده نمی‌شود. در نتیجه از باب پاسداشت آبرو و حیثیت افراد و بقای جامعه و حفظ اخلاق ضمن آنکه هر نوع رابطه آزاد فارغ از چهارچوب‌های قانونی جایز نمی‌باشد، هرگونه تعرضی به حریم خصوصی افراد نیز جایز نیست و در حقیقت روابط جنسی خارج از چهارچوب عقد نکاح شرعی غیرقانونی است نه به این توجیه که اینگونه امور در زمره مسائل خصوصی نمی‌باشد، بلکه به رغم آن که ماهیت خصوصی دارند به جهت آن که غیرقانونی بوده و برخلاف قانون است ممنوع می‌باشد. از این رو هر چند نوع رابطه افراد «حرام» و «خلاف شرع» باشد اجازه هرگونه تحقیق در این زمینه ممنوع و هرگونه پی‌جویی و یا افشاگری روابط حرام جنسی اشخاص، نیز جرم و موجب کیفر است. بر مبنای چنین رویکردی مقنن در مرحله تقنین و تعیین کیفر شدت عمل را مبنا قرار داده؛ لیکن در مرحله دادرسی و اجرا به واسطه پیش‌بینی جواز سقوط کیفر در اثر شبهه و قاعده درء و توبه و اختیار عفو و عدم اجرای کیفر از ناحیه امام و ادله اثباتی سخت بر سیاست بزه پوشی، کیفر زدایی و اصلاح مرتکب تأکید نموده است و به عبارتی استانداردهای ادله اثباتی در جرائم جنسی را بالا می‌برد به نحوی که در ماده‌ی ۱۹۹ ق.م.ا. نصاب شهود را برخلاف سایر جرائم چهار شاهد قرار داده است. به عبارتی این که ادله اثباتی جرم شهادت چهار نفر است، تأیید و تأکید بر حمایت از حریم خصوصی است، زیرا چنین شرطی، افراد کنجکاو را از نقض حریم مکانی کسانی که ممکن است در حریم خصوصی خود مرتکب چنین رفتارهای غیرقانونی شوند، باز می‌دارد. زیرا مقنن عدم حصول این نصاب و ادا شهادت را نه تنها اثبات‌کننده جرمی ندانسته بلکه مستوجب کیفر دانسته است. (نک؛ ماده ۲۰۰ ق.م.ا.). در حقیقت وقتی مقنن موازین اثباتی سختی را پیش‌بینی نموده، محدودیت‌هایی را برای محاکمه و بازخواست کسانی که متهم به جرائم مرتبط با حریم خصوصی و نقض قانون در خلوت و مبتنی بر رضایت طرفین واقعه، قرار می‌دهد، به صورت غیرمستقیم، از حریم خصوصی حمایت نموده است. علی‌هذا برخلاف کشورهای غربی؛ در حقوق ایران عنصر رضایت در تحقق جرم بلااثر است لیکن اصراری بر اثبات جرم وجود ندارد و بزه‌کار به توبه و اظهار ندامت تشویق می‌نماید و به منظور نهی افراد از تجسس و مداخله و سرک کشیدن در حریم خصوصی دیگران، ضمن پیش‌بینی ادله اثباتی سخت شهادت چهار شاهد؛ اشخاص را از ادای شهادت بر وقوع جرم با پیش‌بینی کیفر حد کذف منع می‌نماید و به نحو کلی انجام هرگونه

تعقیب و تحقیقی ممنوع خواهد بود. (نک؛ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک.). در نتیجه مقنن به منظور حفظ حریم خصوصی اشخاص اصل را ممنوعیت تعقیب قرار داده و تحقیقات مقدماتی را توسط مرجعی بالاتر جایز دانسته و سیاست بزه‌پوشی را مبتنی بر تأکید شارع مبنی بر منع اشاعه فحشاء در پیش گرفته و به واسطه غلبه جنبه حق الهی این جرائم بر جنبه خصوصی آن سیاست پیشگیری از اثبات جرم و اعطای فرصت اصلاح و توبه را منظور نموده است. در حقیقت روح حاکم بر سختگیری در ادله اثباتی جرائم و گذاردن ضمانت اجرای قوی برای هرگونه اتهام زنی بی‌مورد، بیانگر این است که هیچکس حق ندارد تحت هیچ عنوانی، وارد حریم خصوصی جنسی افراد گردد. لیکن به رسمیت شناختن حریم خصوصی برای اشخاص به معنای نادیده گرفتن حرمت‌ها و قانون در حوزه خصوصی نمی‌باشد و هرگاه گناه پنهان اشخاص به رغم سفارش بر بزه پوشی و عدم اقرار و سختگیری ادله اثباتی جرم و منع تجسس در امور خصوصی آشکار شد به این توجیه که چنین رابطه‌ای مبتنی بر رضایت و در حوزه خصوصی اشخاص بوده نمی‌توان آن را نادیده گرفت (برخلاف دیدگاه غربی). در نتیجه از جمله محدودیت‌های وارد بر حریم خصوصی اجرای قانون و هنجارهای مسلم عمومی و از جمله شرعی است و اصل لزوم صیانت از حریم خصوصی نمی‌تواند به عنوان مجوزی جهت نقض قانون محسوب گردد و ضرورت دارد بین دو مطلوب یعنی احترام به قانون و هنجارهای مسلم عمومی و احترام به حریم خصوصی تعادل و توازن برقرار نمود. بر این معنا امام خمینی در بند ششم فرمان هشت ماده‌ای تأکید داشته‌اند و تصریح نموده‌اند؛ «هیچ کس حق ندارد ... به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا ... تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبار بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.»

۵- سیاست کنترل و نظارت اجتماعی غیررسمی و مشهود (امر به معروف و نهی از منکر)

از جمله سیاست‌های کنترل و نظارت اجتماعی غیررسمی و مشهود سیاست دیگر کنترلی امر به معروف و نهی از منکر؛ از اختصاصات اسلام؛ می‌باشد. در خصوص این سیاست نیز اشکال تعارض با حریم خصوصی مطرح گردیده زیرا بر مبنای آموزه‌های غربی دخالت در راستای چنین تکلیفی خواه از ناحیه شهروندان خواه حکومت و به‌منظور حفظ ارزش‌های اخلاقی دخالت در حریم خصوصی

است. در واقع از یک سو اصل بر احترام به حریم خصوصی است و از سوی دیگر شخص با فریضه‌ای از فرایض دینی مواجه است که احساس مسئولیت در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی که در مقابل دیدگان وی رخ می‌دهد را واجب می‌داند. در حقیقت چالش از آنجا ناشی می‌گردد که حریم خصوصی قلمرویی است که فرد انتظار دارد دیگران آن را احترام نهاده و در آن حوزه رفتارهای وی مورد نظارت و کنترل قرار نگیرد؛ در مقابل بر مبنای فریضه امر به معروف و نهی از منکر عموم افراد جامعه مکلف‌اند که نسبت به ارتکاب جرائم در همه حال و همه‌جا سکوت ننموده و مرتکب را از انجام آن رفتار یا ترک آن بر حذر دارند.

در مقام رفع چالش ناگزیر می‌بایست مفهوم امر به معروف و نهی از منکر و حدود و ثغور آن تبیین گردد. امر به معنای طلب و خواستن همراه با استعلا و برتری و نهی به معنای دستور به خودداری و عدم اقدام به امری است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۹۷) معروف در لغت به معنای مشهور و شناخته‌شده و منکر قول یا فعلی نارواست که رضایت الهی بدان تعلق نمی‌گیرد. (معلوف، لویس، ۱۴۲۲، ص ۵۰۰ و ۸۳۶) در اصطلاح؛ هر کار پسندیده‌ای است که فاعل آن به نیکی و قباح آن عمل آگاه باشد یا بدان راهنمایی شده باشد. (نجفی، ج ۲۱، ۱۹۸۱، ص ۲۵۶) در تعریفی دیگر، امر به معروف راهنمایی و ارشاد مردم به راه‌های درست و رستگار کننده و نهی از منکر، بازداشت از کارهایی است که سازگار با شریعت اسلام نباشد (جرجانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶) آمده است. بنابراین «معروف به افعال و صفاتی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تأیید قرار داده است به گونه‌ای که هر وجدان پاکی طالب آن است. پس امر به معروف عبارت از تشویق دیگران به انجام افعال و صفاتی که به حکم عقل و از طرف شارع به نیکی وصف شده باشند. منکر به معنای ناشناخته به همه اعمال و صفاتی اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن را به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین نهی از منکر بر حذر داشتن دیگران از انجام افعالی است که از طرف شارع و به حکم عقل به زشتی یاد شده است.» (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۳۶)

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم نیز صریحاً مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال پس از آنکه خود را به عنوان امر کننده به خوبی‌ها و نهی کننده از ناشایستی‌ها معرفی می‌کند (نحل/ ۹۰) تصریح می‌نماید که انسان‌ها از طریق نظارت بر هم دیگر مانع فاسد شدن جامعه می‌گردند. (بقره/ ۲۵۱)^۱ و از وجوه دفع انسان‌ها توسط یکدیگر این است که، «بعضی از مردم جلو فساد بعض دیگر را

۱. «لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ لِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» یعنی و اگر نبود بازداشتن خداوند برخی مردم را به وسیله برخی دیگر حتماً فساد زمین را فرا می‌گرفت و لکن خداوند دارای فضل بر همه جهانیان است.

می‌گیرند» (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۶۲۱). و منظور از فساد زمین، فساد جامعه انسانی است. (طباطبائی، ۱۹۷۳، ج ۲، ص ۲۹۳) بنابراین انسان‌ها با امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند جلو فساد در جامعه را گرفته و از این طریق هنجارشکنی‌های اجتماعی را کنترل نمایند.

برابر ماده یک قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۳۹۳ مقنن در مقام تعریف اشعار داشته:

«در این قانون، معروف و منکر عبارت‌اند از؛ هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.»

درمجموع در مقام ارائه تعریف با در نظر گرفتن مباحث و مواد ۲ الی ۶ قانون فوق می‌توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر؛ دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر بدون تجسس است در صورتی که علناً اشخاص مرتکب رفتاری گردند که در شرع یا قانون ارتکاب آن رفتار مورد امر یا نهی قرار گرفته باشد. لیکن مراتب زبانی و نوشتاری آن توسط آحاد مردم و دولت صورت گرفته و مرتبه عملی صرفاً وظیفه دولت است و در این مقام نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز نموده باشد و هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه مبادرت نماید.

خداوند متعال در آیه ۱۰۴ سوره آل‌عمران سرافرازی و سعادت‌مندی را منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»
و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند.

علامه طباطبایی با استناد به این آیه امر به معروف و نهی از منکر را از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حب‌الله می‌داند و معتقد است بازخواست و عقاب در تخلف این واجب کفایی متوجه تک‌تک افراد است ولی پاداش و اجر از آن کسی است که بدان پرداخته باشد. (همان، ج ۳، ص ۳۷۳)
بنابراین از ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر عمومیت داشتن و تکلیفی همگانی بودن، انعطاف در نمود رفتاری و عملی و حاکمیت بر همه‌ی روابط اجتماعی، کارکرد پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه است و مسلماً اجرای آن منوط به تحقق ضوابطی از جمله؛ اطلاع کافی و صحیح در امور دینی و تشخیص حلال از حرام و واجب از غیر واجب، احتمال اثر و عدم ترتب مفسده و رعایت

مراحل قلبی، زبانی و عملی، صیانت از جان و مال و آبروی افراد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۲۱) و عدم جواز اجرای حدود و تعزیرات توسط افرادی جز نهادهای قضایی (حلی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۱۳) و منع تجسس در امور کتمان و پنهان اشخاص می‌باشد.

بنابراین نظر به اینکه امر به معروف و نهی از منکر منوط به حصول شرایط و مراتبی است می‌توان گفت در صورت رعایت مراتب و شرایط لازم اجرای این فریضه با اصل احترام به حریم خصوصی تضادی حاصل نخواهد شد. زیرا امر به معروف و نهی از منکر دعوت به رعایت ارزش‌های مسلم و قطعی جامعه و حفظ مسلم مصلحت‌های انکارناپذیر در نظام انسانی مبتنی بر عدم تجسس در امور دیگران و احتراز از ایراد ضرر است و هرگاه اعمال و اجرای آن مستلزم ورود ضرر به دیگران باشد جایز نخواهد بود. این اصلی است که به دلالت قاعده لا ضرر مکرر در حقوق اسلامی به آن استناد شده است.

از سوی دیگر نظر به اینکه صیانت از حریم خصوصی به منظور پاسداشت و احترام به کرامت انسانی به تنهایی هدف نیست و از آنجا که بارزترین و مهم‌ترین خصلت انسانی آزادی اراده و اختیار و حق انتخاب است و مسلماً این مهم را نیز می‌بایست پاسداشت در نتیجه نباید حق بر حریم خصوصی را به گونه‌ای تفسیر نمود که خود را نفی کند. حیثه حریم خصوصی نباید آنچنان موسع فرض شود که حیات اجتماعی انسان را از تفسیر و توجیه منطقی ساقط نماید و منجر به سقوط یا بی‌اعتباری مسئولیت همگانی افراد در قبال یکدیگر شود. در کنار امتیازاتی که حریم خصوصی داراست، این کاستی را دارد که ممکن است کسانی از آن سو استفاده کنند و آن را مستمسکی برای رواج بی‌بندوباری قرار دهند. لذا باید به شناخت چنین آفت‌هایی پرداخت و از بروز آن پیشگیری کرد. زیرا در هر حال از جمله علل و عوامل خدشه‌دار شدن و تعرض به حریم خصوصی ترویج بی‌بندوباری، فساد و فحشاء و به نحو کلی ارتکاب جرم است و از سوی دیگر پیشگیری از وقوع جرم در مقام حفظ اجتماع و تأمین منافع عمومی ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو؛ اولاً- آموزه امر به معروف و نهی از منکر به منظور جلب مشارکت عمومی در جهت پیشگیری از وقوع جرم و سالم‌سازی جامعه و احترام به ارزش‌های انسانی است. در نتیجه سازوکاری است که نه تنها موجب تعدی به حقوق دیگران نمی‌باشد بلکه در جهت پیشگیری از وقوع جرم و احتراز از تعدی به حقوق دیگران است که خود غیرمستقیم به صیانت از حریم خصوصی اشخاص می‌انجامد.

ثانیاً- اعمال این فریضه محدود و منصرف به جرائم ارتكابی در علن و آشکار است و نه جرائمی

که در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد.

ثالثاً- از جمله محدودیت‌های اعمال و اجرای این فریضه عدم تجسس و خودداری از تجسس و واکاوی در امور پنهان است. زیرا در اندیشه اسلامی همواره بر بزه‌پوشی و خودداری از تجسس در امور پنهان اشخاص و عدم افشای امور پنهان و جرائم و معاصی ارتكابی خواه از ناحیه مرتکب و خواه از ناحیه دیگران سفارش شده است و خصیصه بارز امر به معروف و نهی از منکر آن است که نسبت به امور آشکار و مشخص صورت گیرد و در مقام این فریضه نمی‌توان در امور خصوصی پنهان و ارتكابی و دور از انظار وارد شد. به همین دلیل ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تصریح داشته؛ «امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.»

از سوی دیگر اعمال و اجرای این فریضه از ناحیه عموم مردم با رعایت شرایط فوق محدود به دخالت، حداکثر در حد تذکر زبانی است و در سایر موارد وظیفه دولت است که به این مهم بپردازد. بر این معنا مقنن در ماده ۴ قانون فوق نیز تأکید نموده است.

بنابراین می‌توان گفت هرگاه اعمال و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر فارغ از هرگونه افراط‌گرایی و مشروط به رعایت شرایط آن صورت گیرد، بین این دو مهم رفع چالش صورت می‌گیرد و در هر حال در مقام رفع چالش حق بر حریم خصوصی با ضرورت‌های اجتماعی تا حدودی می‌توان کفه ترازو را به سمت مصالح عمومی سنگین‌تر نمود. در نتیجه اگر بنا باشد که حریم خصوصی افراد دستاویزی برای هتک محرمات الهی شود و دسترسی به گناهان را آسان نماید در حقیقت کرامت انسانی بی‌ارزش شده است و این خود زمینه‌ساز تعرض به حریم خصوصی از ناحیه اغیار می‌گردد. در نتیجه نمی‌توان به بهای اضمحلال حیات معنوی افراد مورد ترویج بی‌بندوباری و رواج فساد اخلاقی و وقوع جرم حریم خصوصی را حفظ نمود و آنجا که ضرورت دارد از اصل اولیه عدول نمود و در حقیقت ترویج و گسترش فساد و جرم از اموری نیستند که جامعه دینی به بهانه حفظ حریم شخصی اجازه تجویز آن را صادر نماید. لذا حریم شخصی در صورتی که امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد با فریضه امر به معروف و نهی از منکر کنترل می‌شود.

نتیجه‌گیری

رعایت هنجارهای اخلاقی و انگاره‌های شرعی مبتنی بر دفاع از ارزش‌های جامعه و صیانت از برقراری نظم عمومی است و چنین الزامی در راستای حصول منافع عالیه نوع بشر در آن اجتماع انسانی

است از این رو هر چند اصل بر صیانت از حریم خصوصی و ممنوعیت هرگونه مداخله‌ای در آن می‌باشد لیکن این اصل مجوز نقض قانون در حوزه خصوصی نیست و هرگاه آثار و تبعات نقض قانون در حوزه خصوصی نمود و جلوه‌ی بیرونی و خارجی بیابد از باب صیانت از ارزش‌های بالاتری مداخله جایز خواهد بود. به عبارتی گرچه حکومت به قلمرو اعتقادات درونی اشخاص مستقیماً وارد نمی‌شود و برای حریم شخصی او احترام قائل است ولی چنانچه وی از حریم شخصی خود به ساحت جامعه تجاوز نماید حکومت حق که نه تکلیف دارد احکامی را مدنظر قرار دهد. در حقیقت حق بر حریم خصوصی ناظر است به خلوت انسان، که نباید در میان دیگران افشاء، آشکار و علنی شود. از این رو اگر کسی هر رفتاری را در حوزه حریم خصوصی خود بدون عوارض بیرونی انجام دهد، هیچ‌کسی حتی مأموران دولتی حق ندارند تجسس کرده و آن را افشا و بعداً مجازات کنند؛ اما هرگاه رفتار وی دارای آثار خارجی گردد، دیگر از حمایت حریم خصوصی بهره‌مند نمی‌شود یعنی اگر خود فرد اقدام به افشای اطلاعات خود کند، مانند آن‌که تصاویر و فیلم خود که جنبه مغایر با اخلاق دارد، یا آشکارا در خودروی شخصی خود بدون پوشش متعارف حاضر شود یا مبادرت به خوردن و آشامیدن گردد در حالی که ماه رمضان است و رفتار وی از خارج خودرو قابل‌رؤیت است دیگر از حمایت حریم خصوصی بهره‌مند نمی‌شود چون خود موضوع را تغییر داده و حریم را به حریم عمومی و قواعد آن تغییر داده است. در نتیجه؛ حریم شخصی در صورتی که امنیت اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد با محدودیت مواجه خواهد بود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۴، حقوق فناوری اطلاعات، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، تهران، چاپ اول، نشر میزان
۲. انصاری، باقر، ۱۳۸۶، حقوق حریم خصوصی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت
۳. استفانی، لواسور، ژرژ، بولوک، برنار، ۱۳۷۷، آئین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. جرجانی، میرسید شریف، ۱۳۷۰، تعریفات؛ تهران، رناصر خسرو، ج ۱
۵. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن محقق، ۱۴۲۸، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، چاپ دوم مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱
۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۹۷۳، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الطبعة الثالثة، الجزا الاول والثانی مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۷. طبرسی، فضل ابن حسن، ۱۴۲۷، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، چاپ اول، دارالمرتضی، ج ۲
۸. عبید بن عبدالعزیز سلمی، ۱۴۰۷، التبرج والاحتساب علیه، [بی جا]
۹. فراهیدی خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، قم، موسسه دارالحجره، ج ۸
۱۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، فلسفه حقوق تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم
۱۱. محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، دوره حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ج ۱
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، فلسفه اخلاق، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، چاپ اول، صدرا
۱۴. معلوف، لوییس، ۱۴۲۲، المنجد فی اللغة و الاعلام، قم، ذوی القربی.
۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (س) تهران، موسسه تنظیم، نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ پنجم
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، موسسه تنظیم، نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول

۱۷. النجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، چاپ محمود قوچانی
۱۸. وهبه مصطفی زحیلی، ۱۴۱۸، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، ج ۲
۱۹. هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۴، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
۲۰. Andrew Ashworth, Principles of Criminal Law,(eds) Tony Honore & Joseph Raz ,Clarendon Press Oxford, ۱۹۹۲
۲۱. Sarah Webb, Russell Jones & Walker, A new right of privacy following the House of Lords decision in Naomi Campbell –v- MGN Limited?, Hertfordshire law Journal ۲(۲), ۳۰-۴۰